

الدرس الثاني عشر

بفرمائید=تفضلاً/تفضلوا

چه = ماذا، ما

شما می خواهید = انتماتریدان ، انتم تریدون

پاکت = علبه /قنينة

ماست = لبن

کره = زبدة

نوشابه = مشروب مرطّب بلا كحول

ما می خواهیم = نحن نريد

لازم داریم = نحتاج

دو = اثنان

سه=ثلاثة

صابون = صابون

شامپو=شامبو

کنسرو = معلب

ماهی=سمک

کنسرو ماهی = معلَب سمک / سمک معلَب

دیگر چه؟ ماذا بعد؟

نان = خبز

آنجا = هناك

ما داریم = نحن عندنا / نحن نمتلك

شیشه = قنينة زجاجية / قنينة

آبلیمو = عصير ليمون

شیر = حليب

شما بدهید = أنتم إعطوا

راستی = الحقيقة

تخم مُرغ = بیض

پنیر = جبن

او = هو، هي

می خواهد = يريد

برنج = رز

روغن = زيت

كمى = قليلاً

ما نداريم = نحن ليس عندنا / نحن لانملك

لطفاً = رجاءاً / الرجاء

كدام؟ أي؟

ساختمان = مبنى/بنية

احتمالاً = احتمالاً/ربما/يحتمل

همكلاسى = زميل / زميلان/زملاء في صف واحد

دوست=صديق

متشكرم = شكراً / انا متشكر

اما الآن فنستمع الى الحوار بين محمد وعلي والبائع:

فروشنده: بفرمائيد، چه می خواهید؟

البائع: تفضلاً، ماذا تريدان؟

محمد: ما يك ظرف ماست، دو بسته كره و يك نوشابه می خواهیم.

محمد: نحن نريد علبة لبننا وعلبتي زبد وقنينة واحدة مشروباً مرطباً.

علي: سه عدد صابون، يك شامپو و دو كنسرو ماهی هم لازم داريم.

علي: نحتاج ايضاً ثلاثة صابونات وقنينة شامبو واحدةً وعلبتي سمك معلب.

فروشنده: ديگر چه؟ نان هم آنجاست. نان می خواهيد؟

البائع: ماذا بعدُ؟ الخبز ايضاً هناك. أتريدان خبزاً؟

علي: خير، ممنون. يك شيشه آبلیمو و دو بطری شیر هم بدهيد.

علي: لا، ممنون. إعطِ ايضاً قنينة زجاجية عصير ليمون وقنينتي حليب.

محمد: راستی، سعيد هم چند تا تخم مرغ و يك بسته پنیر می خواهد. علي! ما برنج و روغن داريم؟

محمد: الحقيقة، يريد سعيد ايضاً عدة بيضات وعلبة واحدة جبن. علي! نحن عندنا رز وزيت؟

علي: بله. کمی برنج داريم، اما روغن نداريم.

علي: نعم. عندنا قليل من الرز، لكن ليس عندنا زيت.

محمد: پس آقا لطفاً تخم مرغ، پنیر و روغن هم به ما بدهيد.

محمد: إذن إعطنا رجاءاً سيدي بيضاً وجبناً وزيتاً ايضاً.

نرجو أن تكونوا قد استمعتم الى الحوار حيث كانت فيه مفردات كثيرة. نستمع الى الحوار مرة اخرى لكن بدون ترجمة هذه المرة:

فروشنده: بفرمائيد، چه می خواهید؟

محمد: ما يك ظرف ماست، دو بسته كره و يك نوشابه می خواهیم.

علی: سه عدد صابون، يك شامپو و دو كنسرو ماهی هم لازم داریم.

فروشنده: ديگر چه؟ نان هم آنجاست. نان می خواهید؟

علی: خير، ممنون. يك شيشه آبليمو و دو بطری شیر هم بدهيد.

محمد: راستی، سعيد هم چند تا تخم مرغ و يك بسته پنیر می خواهد. علی! ما برنج و روغن داریم؟

علی: بله. کمی برنج داریم، اما روغن نداريم.

محمد: پس آقا لطفاً تخم مرغ، پنیر و روغن هم به ما بدهيد.

يضع البائع البضائع في عدة اكياس، وبينما يحسب ثمنها بالحاسوب، يسأل علياً:

فروشنده: شما دانشجو هستيد؟

البائع: أنتما طالبان جامعيان؟

علی: بله ما دانشجو هستیم.

علي: نعم نحن طالبان جامعيان.

فروشنده: شما در کدام ساختمان ساكن هستيد؟ ساختمان ۳؟

البائع: أنتما تسكنان في أي مبنى؟ المبنى ثلاثة؟

علی: خیر، ما در ساختمان ۲ هستیم.

علی: لا. نحن في المبنى اثنين.

فروشنده: پس احتمالاً همکلاسی هستید؟

البائع: إذن محتملٌ زميلان (في صفٍ واحد)؟

علی: خیر، ما با هم دوست هستیم.

علی: لا نحن معاً صديقان.

نستمع ثانية الى الحوار بين البائع وعلی لكن بدون ترجمة:

فروشنده: شما دانشجو هستید؟

علی: بله ما دانشجو هستیم.

فروشنده: شما در کدام ساختمان ساکن هستید؟ ساختمان ۳؟

علی: خیر، ما در ساختمان ۲ هستیم.

فروشنده: پس احتمالاً همکلاسی هستید؟

علی: خیر، ما با هم دوست هستیم.

